

بررسی و مطالعه چرایی انقلاب اسلامی در ایران (از سال ۱۳۵۷ - ۱۳۵۵)

عباس کشاورز شکری *

ملیحه حاجی حسن **

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۱۶

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۵/۰۹

چکیده

با توجه به اهمیت انقلاب ایران که توانسته دگرگونی وسیعی در تمام ابعاد جامعه پدید آورد؛ لذا پژوهشگران داخلی و خارجی به دنبال بررسی علل و تبیین وقوع انقلاب ایران، نظریاتی را نیز ارائه کرده‌اند. هدف اصلی این پژوهش بررسی علل وقوع انقلاب در ایران است و در پی پاسخگویی به این پرسش است که: «علت انقلابی شدن مردم ایران و بروز انقلاب و قیام در بین سالهای "۱۳۵۷ - ۱۳۵۵" چیست؟» نگارنده تلاش کرده است با روش تحلیل اسنادی و ابزار فیشبرداری از اسناد رسمی، کتابها، مقالات با ارائه دیدگاه‌های انقلابی از جمله نظریات اسکاچپول، اسملسر، امام‌خمینی(ره)، فوکو و فوران به بررسی چرایی انقلاب اسلامی از نظر مردم انقلابی بپردازد. فرضیه چنین است که تحمیل تغییرات وسیع در کشور از طریق دستگاه دولتی، رقابت ابر قدرتها برای افزایش نفوذ، تقابل آشکار رژیم با اقتدار اسلامی، که از مهمترین مسائل روز جامعه آن روزگاران بود، باعث شکل‌گیری واکنش مردمی و قیام شد که نشان از فراگیری آگاهی اجتماعی، سیاسی، مذهبی مردم نسبت به اوضاع و عملکرد نظام شاه داشت. سرانجام مردم با مشارکت انقلابی و رهبری امام(ره) در طول قیام توانستند انقلاب را در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی برسانند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب، مردم انقلابی، رهبری امام خمینی(ره)، مشارکت انقلابی.

* دانشیار گروه سیاسی و جامعه‌شناسی انقلاب دانشگاه شاهد

abbaskeshararz@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب دانشگاه شاهد

malihehajihasan@gmail.com

مقدمه

بروز انقلاب به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، توانسته است جوامع را دچار تغییرات اساسی کند؛ لذا تأثیرات آن بر نظامها به حدی آشکار است که نظر محققان علوم اجتماعی را در تمام عرصه‌ها به خود جلب کرده است و در دهه‌های اخیر دانشمندان درصدد تبیین و تحلیل این پدیده، دیدگاه‌های گسترده و گاه متضادی مطرح کرده‌اند. با تابش انقلاب در ایران و تفاوت بنیادی آن با دیگر انقلابها، نظریات دچار بازنگری شد که با نگاه اجمالی به آن می‌توان عدم توانایی پژوهشگران را در تبیین کامل علل وقوع انقلاب اسلامی مشاهده کرد. از آنجا که مردم انقلابی، خود از ارکان انقلاب به شمار می‌روند به همین سبب بررسی چرایی انقلاب از نظر انقلابیون ضروری و با اهمیت به نظر می‌رسد. از سوی دیگر رهبر نیز در شکل‌گیری قیام نقش اساسی دارد؛ در نتیجه دیدگاه رهبر انقلاب نیز درباره وقوع قیام و علل آن حائز اهمیت است. به طور کلی «اگر قرار است نظریه‌ای، انقلاب ایران را تبیین کند، این نظریه باید از دل جامعه ایرانی بیرون آید و بر اساس شرایط و مقتضیات جامعه ایرانی ساخته و برداشته شود» (کشاورز، ۱۳۸۱: ۱۶۶).

با نگاه به اهمیت موضوع، این نوشتار با روش تحلیل اسنادی و ابزار فیشبرداری از اسناد رسمی، کتابها و مقالات استفاده کرده و درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است: «علت انقلابی شدن مردم ایران و بروز انقلاب و قیام در بین سالهای "۱۳۵۷ - ۱۳۵۵" چیست؟» مقاله پیش رو ابتدا به مطرح کردن نظریات مهم درباره علل وقوع انقلاب اسلامی می‌پردازد و سپس علل وقوع انقلاب را از دید مردم انقلابی بررسی می‌کند. در این جهت افزایش آگاهی در تمام ابعاد مورد بررسی قرار گرفته و هم‌چنین بررسی نظریات حضرت امام (ره) درباره علل انقلاب و در ادامه آن عملکرد رژیم پهلوی در برابر اعتراضات مردمی مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱ - تعریف مفاهیم

- انقلاب بر اساس تعاریف گوناگون، ویژگیهای برجسته‌ای دارد؛ اما تعریفی که تمام شاخصهای انقلاب را در برگیرد، بسیار کم است؛ لذا می‌توان گفت: «انقلاب حرکت حجمی توده‌ای فراقانونی است که به سرنگونی رژیم و دگرگونی اساسی و سریع خاستگاه اجتماعی نخبگان سیاسی حاکم منجر می‌شود» (پناهی، ۱۳۹۲: ۳۷).

- مردم انقلابی به تعبیری «همان شرکت‌کنندگان در انقلاب هستند که نقش پیروی را ایفا

می‌کنند و بیشتر شرکت‌کنندگان در جنبش را تشکیل می‌دهند. اینها با توجه به نارضایتی که از رژیم حاکم دارند و با اعتقادی که به ایدئولوژی انقلابی و رهبری انقلاب پیدا می‌کنند به صحنه می‌آیند و حمایت خود را از انقلاب و اهداف آن با شرکت در تظاهرات و دادن شعارهای انقلابی و غیره اعلام می‌کنند» (پناهی، ۱۳۹۲: ۷۷).

- رهبر انقلابی: «رهبران کسانی هستند که در سطوح مختلف جنبش نقش تشویق‌کننده، آگاهی‌دهنده، سازماندهی بسیج، تأمین منافع، جهت‌دهنده و ایجادکننده وحدت بین مردم دارند» (پناهی، ۱۳۹۲: ۷۵).

۲ - پیشینه پژوهش

در مورد انقلاب در ایران از منظومه نظریات امام(ره) و مردم انقلابی تاکنون تحقیق مستقلی انجام نشده است. البته برخی از دانشمندان و محققان در ذیل بررسی پدیده انقلاب، اجمالاً به علل وقوع انقلاب اسلامی اشاره کرده‌اند؛ به عنوان مثال کامروا در مقاله‌اش انقلاب اسلامی را با چند انقلاب مقایسه، و عوامل انقلاب را در ایران، فرانسه، چین، کوبا و... بررسی کرده است (پناهی، ۱۳۹۲: ۴۵۷).

ارجمند در مقاله خود، ایدئولوژی اسلامی را عامل نیرومندی در انقلاب ایران مطرح می‌کند؛ ولی تبیین‌کننده سرنگونی پهلوی نیست (Arjomand:1986).

لیلی عشقی در مقاله‌ای با هدف چگونگی انقلاب ایران، علاوه بر شرایط عینی به شرایط امکان ذهنی نیز توجه، و نظریه حادثه را ترسیم می‌کند. او معتقد است که انقلاب اسلامی با پیوند سه شرط عینی، عرفان تشیع، مذهب، موجودیت ملی به وجود آمده است (عشقی، ۱۳۷۸).

۳ - دیدگاه‌های انقلابی

۱ - ۳ - نظریه اسکاچپول^۱

به نظر اسکاچپول برای تبیین انقلاب باید از سه متغیر اصلی وضعیت دولت و نظام سیاسی حاکم، جایگاه و روابط بین‌المللی این نظام و نیز ساختار طبقاتی کشور استفاده کرد. برای اینکه شرایط انقلابی در جامعه به وجود آید، ابتدا باید نظام سیاسی حاکم تحت فشارهای بین‌المللی مانند جنگ یا تهدیدات خارجی و فشار برای نوسازی، تضعیف شود و یا فروپاشد. این واقعه وقتی اتفاق

می‌افتد که دولت به منابع مالی برای حفظ و تقویت نیروهای نظامی و یا نوسازی نیاز داشته باشد؛ ولی به علت ضعف خود و پیوند طبقاتی که با طبقه حاکم زمیندار دارد، نتواند به اصلاحات ساختاری و مالیاتی دست بزند و منابع مورد نیاز خود را تأمین کند. با تضعیف و یا فروپاشی دولت، تضادهای طبقاتی داخلی آشکار می‌شود و طبقه دهقان از فرصت استفاده می‌کند و به شورش دست می‌زند. اگر روشنفکران حاشیه‌ای بتوانند این شورشها را جهت دهند و به جنبش انقلابی ملی تبدیل کنند، می‌توانند نظام حاکم را سرنگون و نظام سیاسی جدیدی را به جای آن برپا کنند. به نظر او هر سه انقلاب فرانسه و روسیه و چین در چنین حالتی اتفاق افتاد. اسکاچپول پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران متوجه شد که نظریه او نمی‌تواند از عهده تبیین این انقلاب برآید؛ لذا به اصلاح نظریه خود دست زد و امکان دخالت اراده انسانی را در وقوع انقلابهای متکی به توده‌های شهری پذیرفت (پناهی، ۱۳۹۲: ۱۸۸).

انقلاب ایران فرصت مناسبی شد تا نظریات انقلابی به بوته آزمایش گذاشته شود و در برخی از آنان بازنگریهای اساسی به وجود آید. یکی از آنها نظریه اسکاچپول است. او در مقاله مشهور خود به نام «دولت تحصیلدار و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، علت انقلاب در ایران را علاوه بر عوامل ساختاری، عواملی همچون نقش تشیع، چه به لحاظ فرهنگی و چه سازماندهی، بسیار تعیین کننده می‌داند. اسکاچپول ضمن برگشت از الگوی اولیه خود، انقلاب اسلامی را انقلابی توده‌ای معنادار، جهتدار، انقلاب شهری که دارای چارچوب تشیع است، معرفی می‌کند (خرمشاد، ۱۳۸۳: ۹۸ - ۹۶). او علل انقلاب ایران را این گونه بیان می‌کند: «انقلاب ایران توسط دسته‌ای از تشکلهای فرهنگی ساخته شده بود که عمیقاً در اجتماعات شهری ریشه داشت» (کشاوری، ۱۳۸۱: ۱۱۱). لذا اسکاچپول با تعدیل در نظریه خود توانست تبیین ناقصی از وقوع انقلاب در ایران ارائه کند که تا حدی پرده از چهره انقلاب اسلامی برداشت.

۲ - ۳ - دیدگاه فوران^۱

جان فوران، که از ایرانشناسان برجسته امریکایی بود، توانست با خلق نظریه‌ای جدید تا حدودی انقلاب اسلامی را مورد تحلیل و تبیین قرار دهد. او انقلاب ایران را در یک تقسیم‌بندی در صف اولین انقلابهای جهان سوم قرار داد و تقارن چهار عامل را در ظهور انقلاب اسلامی مطرح کرد که عبارت است از توسعه وابسته، دولت بسته، گشایش در نظام جهانی و افول اقتصادی. در این راستا،

او وجود فرهنگهای سیاسی مخالف در درون جامعه ایران و هم‌چنین مقاومت مردمی را بسیار حائز اهمیت می‌دانست (خرمشاد، ۱۳۸۳: ۱۰۶ - ۱۰۲)؛ لذا فوران وجود عوامل متعددی را در بروز انقلاب ایران دخیل می‌داند.

۳ - ۳ - نظریات فوکو^۱

فوکو در پی مسافرت به ایران و مطالعه حرکت انقلابی مردم از نزدیک، دیدگاه جدیدی مطرح کرد. او ابتدا برای توضیح چرایی انقلاب اسلامی، ویژگیهایی بیان کرد که عبارت است از: ۱ - نفی انگیزه‌های اقتصادی ۲ - اراده جمعی ملت ۳ - قدرت برتر ملت ۴ - روح انقلاب ایران. سپس انقلاب ایران را نخستین انقلاب «فرا مدرن» معاصر معرفی کرد و در تعدیل نظریات در زمینه از بین رفتن دین در انقلابات، وجود فرهنگ شیعی در انقلاب ایران را تأیید کرد (خرمشاد، ۱۳۸۳: ۱۰۶). او معتقد بود که امام همان اندیشه مردم در صحنه کنش است که به منبع تهیج‌کننده و تغییر دهنده تبدیل شده است؛ به تعبیر دیگر امام نقش برجسته و عمده‌ای در انقلاب ایران ایفا کرده و زبان گویای اراده و خواست مردم قرار گرفته و در نهایت چهره‌ای متمایز به انقلاب بخشیده است (کشاوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۹ - ۷۷).

۴ - ۳ - دیدگاه امام خمینی (ره)

در عصر مدرنیته برخلاف تصور رایج، انقلاب اسلامی در ایران رو به گسترش نهاد و با حرکت توفنده به سوی استقلال و آزادی فراگیر شد و در نهایت با رهبری امام (ره) در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بر سکوی پیروزی نشست و تمام ماهیت خود را در قالب جمهوری اسلامی به جهانیان نشان داد. بر همگان آشکار بود که نقطه عزیمت قیام بر اندیشه و نظریات سیاسی - مذهبی امام (ره) استوار گشته و ایشان کسی است که می‌تواند فرایند انقلاب را هدایت، و دامنه آن را برای جهانیان ترسیم کند.

امام، ماهیت انقلاب اسلامی را این گونه معرفی می‌کنند: امروز هر کسی کمی مطالعه در ماهیت نهضت ایران کند خواهد دید که نهضتی است صددرصد اسلامی و هر کس بخواهد در این حرکت شرکت کند، باید خود را با آن تطبیق دهد که در غیر این صورت مطرود ملت خواهد بود» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۳۹۱). در نتیجه امام (ره) علت پیروزی نهضت اسلامی را این طور تبیین کردند: «ایران بعد از آن زحمتها و مرارتها و اختناقها و قیام، چون اسلامی بود و جوانهای ما برای

اسلام کوشش کردند و همه قصدشان اسلامی بود و از جان گذشته بودند برای اسلام کوشش کردند و همه مقصدشان اسلامی بود و از جان گذشته بودند برای اسلام، از این جهت با وحدت کلمه و اتکا به اسلام این نهضت پیشرفت کرد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۳۴۱).

امام(ره) نارضایتی مردم و آگاهی آنان را نسبت به اوضاع جامعه مورد تأکید قرار می‌دهد و در مصاحبه با تلویزیون هلند این گونه می‌فرماید: «علت تظاهرات کارهایی است که شاه در این مدت کرده است. مردم از اختناق و کشتارها، نارضایتی و تظاهرات رو به ازدیاد است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۱۴). ایشان عملکرد پهلوی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و می‌گوید: «مبارزات ملت ایران، معلول جنایات و خیانات ۳۵ ساله شاه است که توسط روحانیون برملا گردید و برای درهم کوبیدن شاه است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۸۲). بنابراین در اندیشه سیاسی - مذهبی امام(ره)، افزایش آگاهی مردم از یک سو نسبت به اوضاع جامعه و عملکرد شاه و نیروهای رژیم پهلوی طی ۵۰ ساله حکومت در ایران از سوی دیگر، باعث رشد نارضایتی و خشم توده مردم شد. از آنجا که ماهیت قیام ملت ایران، اسلامی - شیعی بود، مردم توانستند با رشادت و فداکاری مسیر انقلاب را بسرعت پیمایند و در ۲۲ بهمن بر قله پیروزی بشینند.

۵ - ۳ - دیدگاه اسملسر^۱

بنا به تعریفی که اسملسر از رفتار جمعی دارد، آن را در چهار دسته تقسیم می‌کند: ۱ - جنبشهای ارزشی ۲ - جنبشهای هنجاری ۳ - حرکت‌های خصمانه جمعی ۴ - رفتارهای معطوف به موقعیت‌های خاص و محدود. بر اساس این تعریف، انقلاب بیشتر از نوع جنبش ارزشی و اصلاحات از نوع جنبش هنجاری به شمار می‌آید (پناهی، ۱۳۹۲: ۲۰۲ و ۲۰۳). اسملسر معتقد است شش شرط برای وقوع انقلابها لازم است. او این شروط را در شش مرحله نام می‌برد:

الف) وضعیت مساعد ساختاری: وجود طبقات، مذاهب، نژادهای مختلف در هر جامعه و هم‌چنین وجود گروه‌های محروم از قدرت سیاسی و محروم دهقانی باعث ابراز انتقاد و نارضایتی از نظام موجود می‌شود.

ب) موقعیت تنش ساختاری: «عواملی چون رکود بازار، محرومیت اقتصادی، استثمار، مهاجرت وسیع، تضادهای مختلف و نبود هماهنگی لازم در ساختارهای اجتماعی، تنش ساختاری به شمار می‌رود» (پناهی، ۱۳۹۲: ۲۰۳).

ج) انتشار اعتماد ارزشی: در کشورهای جهان سوم، استثمار و وابستگی، عوامل ضد ارزشی در مقابل استقلال طلبی و آزادی است. مردم در این کشورها، سیر فعالانه به سوی جنبش را انتخاب، و از راه‌های سخنرانی، گردهمایی‌های وسیع توده‌ای و تبلیغات، اعتقادات ارزشی را در جامعه منتشر می‌کنند.

د) عوامل شتاب‌زا: عواملی مانند بیکاری، فقر، باعث تسریع جنبش می‌شود و ظهور رهبری توانمند در جامعه نیز می‌تواند سبب تحول جنبش از حالت منفعل به حالت فعالانه و بسیج فراگیر مردمی می‌شود (پناهی، ۱۳۹۲: ۲۰۹).

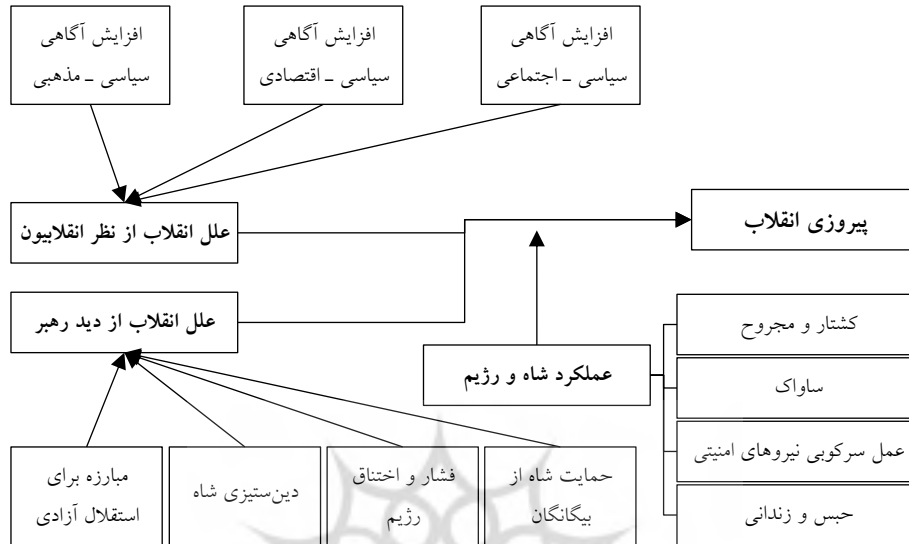
ه) بسیج برای عمل جمعی: واکنش پردازان جمعی و بسیج آنان تا حد زیادی به شیوه و راهبرد رهبر انقلابی بستگی دارد. در جنبش‌های ارزشی، وجود رهبر فرهمند می‌تواند نظام ارزشی نوینی را مطرح کند و اعتقاد عمومی را شکل دهد و مردم را بر آن ارزش بسیج کند.

و) کنترل اجتماعی: «به نظر اسملسر چگونگی برخورد مقامات دولتی با اعتراضات ارزشی برای روند و جهتگیری جنبش بسیار تعیین کننده است. اگر آنها پیوسته نشان دهند و از ابزار کنترل اجتماعی به طور مؤثر استفاده کنند، خطر جنبشی ارزشی از بین می‌رود و به نوع دیگری از اعتراضات به خطر تبدیل می‌شود. از زمانی که اثربخشی و مداومت سرکوب به صنف گراید، جنبش ارزشی به سوی انقلابی شدن حرکت می‌کند» (پناهی، ۱۳۹۲: ۲۱۳). بنابراین بر اساس نظریه اسملسر، پدیده انقلاب از مرحله‌ای به مرحله دیگر پیش می‌رود و در نهایت احتمال دارد به سرنگونی رژیم منجر شود و انقلابیون قدرت را به دست گیرند.

۴ - چهار چوب مفهومی

با توجه به دیدگاه‌های مختلف نسبت به علل انقلاب، می‌توان دریافت که علل رفتارهای انقلابی را باید در ارکان انقلاب جستجو کرد. برای هر قیام و نهضتی، تنشهای پیچیده و متعددی هست که بر اساس آن تعداد زیادی از افراد جامعه گرد هم می‌آیند تا کنش جمعی هماهنگی را با رهبری خاص سازماندهی کنند. در این راستا علل شکل‌گیری قیام از دید مردم انقلابی و رهبر انقلابی بسیار گویا و قابل تأملتر است؛ چرا که بر اساس مقتضیات جامعه انقلابی مطرح می‌شود. از یک سو حساسیتهای مردمی نسبت به مسائل کشورشان از آگاهی مردم به جامعه حکایت دارد که خود بیان‌کننده علل انقلاب از سوی آنان است. در این زمینه می‌توان آگاهی مردمی را در چند دسته تقسیم کرد:

- ۱ - آگاهی سیاسی - اجتماعی: هر وضعیت اجتماعی بر اساس ارزشهای جامعه تعریف می‌شود که اگر مردم شرایط را ضد ارزش دریابند و راه‌های ابراز نارضایتی را بر خود بسته ببینند بر اساس افزایش آگاهی خود به کنشهای انقلابی دست می‌زنند. در انقلاب ایران نیز تحمیل تغییرات اجتماعی و افراطیکاری نظام در مسائل کشوری، که با ارزشهای مردم در تضاد بود، باعث خشم و نارضایتی مردم شد و واکنشهای مردمی شدیدی را علیه نظام به وجود آورد.
- ۲ - آگاهی سیاسی - اقتصادی: وجود تنشهای محرومیت، شکاف طبقاتی، نبود فعالیتهای اقتصادی توسعه‌گرا و... در اثر ناهمگونی اقدامات نظام، خود باعث تحریک عمومی در سطح طبقات جامعه می‌شود. در کلیت نظام شاهنشاهی نیز برنامه توسعه وابسته از یک سو و رشد فقر در میان انبوه توده از جهت دیگر، باعث واکنش شدید در کنشهای انقلابی مردم شد.
- ۳ - آگاهی سیاسی - مذهبی: در وضعیت انقلابی جامعه، وجود ساختارهای غیر ارزشی و غیر مذهبی کل نظام را زیر سؤال می‌برد. در جامعه قبل از انقلاب مردم برای حفظ مذهب خود بر اساس باورهای دینی نسبت به عملکرد پهلوی واکنشهای شدیدی نشان می‌دادند. از سوی دیگر رهبر انقلاب، حضرت امام (ره) بر اساس ماهیت انقلاب اسلامی ایران علل انقلاب را در چند سطح کلی بیان می‌فرماید:
- الف) حمایت شاه از بیگانگان: «نوکری از این احمقتر و بهتر برای آنها نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۴۰).
- ب) فشار و اختناق رژیم: «فشار و قهری که شاهد پرورش اعمال کرده‌اند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۴۰).
- پ) مبارزه برای استقلال آزادی: «این مردمی که آزادی و استقلال می‌خواهند، اینها وحشی نیستند» (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۲۴۳).
- بر اساس این مطالب، عملکرد شاه در قبل از انقلاب باعث تشدید انقلاب شد و عمل سرکوبی نیروهای امنیتی در شکل‌های مختلف مانند حبس و زندانی، کشتار جمعی و... مانند عوامل شتابزا آتش انقلاب را به اوج خود رساند.



شکل ۱: الگوی مفهومی علل انقلاب

۵ - نگاهی جامع به علل وقوع انقلاب از دید مردم انقلابی

رشد و آگاهی ملت در تحولات سیاسی - اجتماعی نظام، ترسیم گر قدرت اجتماعی فعال است. زمانی که قدرت اجتماعی در مقابل نظام سیاسی قرار گیرد از ارکان مهم انقلاب به شمار می‌رود و لذا بررسی وقوع انقلاب اسلامی از دیدگاه ملت، نشان از تبیین گسترده قیام در تمام ابعاد آگاهی مردم دارد که این ابعاد بررسی می‌شود:

۵ - ۱ - افزایش آگاهی سیاسی - اجتماعی

بی‌گمان تاریخ پرماجرای ایران، ملتی آگاه و جسور را در دامن خود پرورش داده است. آن‌گونه که در بررسی قیامهای ملت ایران می‌بینیم، مردم نسبت به مسائل اجتماعی خود همیشه حساسیت خاصی را نشان می‌دادند و خواستار تغییر یا اصلاح آن بودند. این امر در سالهای قبل از پیروزی انقلاب بسیار مشهود بود که خود گواه شعور انقلابی مردم است. در این راستا، ساواک بعضی از اقدامات مردم را نسبت به نارضایتی و اعتراض به مسائل اجتماع این گونه گزارش می‌کند: الف) شکستن شیشه‌های بانک و سینماها ب) آتش زدن مغازه‌های مشروب فروشی پ) تظاهرات خیابانی ت) دادن شعار به نفع روح‌الله خمینی و زندانیان ضد امنیتی وابسته ث) سخنرانیهای

تحریک آمیز مذهبی برای تهیج گروه‌های مختلف اجتماعی... (ج) پخش اعلامیه‌های دست‌نویس و کپی شده با مضمونهای مذهبی به اصطلاح انقلابی و دعوت مردم به مبارزه مشترک علیه حکومت... (چ) نوشتن شعارهای ضد امنیتی در مناطق مختلف» (اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۴۱۲).

شکل‌گیری واکنش مردمی از فراگیری آگاهی اجتماعی جامعه نسبت به اوضاع و احوال جامعه حکایت دارد. حال این سؤال پیش می‌آید که اوضاع جامعه در آن زمان چگونه سپری شد که چنین واکنشهای اجتماعی را به منصفه ظهور کشانید. در این راستا می‌توان گفت که تحمیل تغییرات اجتماعی از طریق دستگاه دولتی، رقابت ابرقدرتها برای افزایش نفوذ، و تقابل آشکار رژیم با اقتدار اسلام از مهمترین مسائل روز جامعه آن روزگاران بود؛ لذا در این چنین فضایی محدودیتهایی از سوی دستگاه حکومت از یک طرف و افراطی کاری رژیم در مصرف بیت‌المال از سوی دیگر توانست سیر تکامل آگاهی مردم را افزایش دهد و آنان را نسبت به عملکرد پهلوی حساستر و هوشیارتر کند.

«فساد مالی و اخلاقی حاکم بر رژیم، دستمایه‌های لازم را برای تبلیغات انقلابی فراهم ساخت تا از دربار پهلوی و شاه، چهره‌های سودجود و بی‌لیاقت ارائه کند که ثروت کشور را چپاول می‌کنند و بر باد می‌دهند و انتقادات و تنفر شدید را در مردمی که با توقعات افزایش یافته و احساس بی‌عدالتی نیز برانگیخته شده بودند، ایجاد کردند. سرکوب و اختناق شدید رژیم ضمن ترکیب احساس بی‌عدالتی و تنفر با احساس مظلومیت و خفقان، چهره‌ای ستمگر و خونریز از رژیم ساخت و خشم عمومی نهفته را در مردم تقویت کرد» (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۲۵).

این تصویر جامعه، امکان بحرانزایی اوضاع اجتماعی ایران را در دهه ۵۰ بخوبی نشان می‌دهد؛ همان گونه که در گزارش ۱۳۵۶/۵/۳ سفیر امریکا آمده است: «نارضایتی و مخالفت به طور عمومی به عنوان کوششهایی برای سرنگون کردن رژیم مستقر و خنثی کردن هدفهای آن دیده شده است» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۵۴).

موضوع مهمی که در این میان برجسته خودنمایی می‌کند، همبستگی مردمی و گروه‌های انقلابی برای حمایت از انقلاب است. ساواک در تحلیل این انسجام چنین می‌نویسد:

«این دسته، که قسمت اعظم نیروهای حمایت‌کننده از روحانیون افراطی و هدفهای آنان را تشکیل می‌دهند، کلاً از نظریات روح‌الله خمینی و دیگر روحانیون افراطی پیروی می‌کنند؛ تعدادی از این افراد، که در اغلب موارد ظاهری خاموش دارند و در نمان برای تقویت و به نتیجه رسیدن

هدفهای روحانیون افراطی، تلاش وسیعی به عمل می‌آورند... این گروه شامل بازاریان، کسبه، صاحبان تعدادی از مشاغل آزاد، سرمایه‌داران متعصب مذهبی و کسانی هستند که به انحای مختلف از نظر تأمین معیشت و زندگی با این گروه‌ها پیوند دارند... گروه‌های فوق‌غیر از کمک‌هایی که به عنوان وجود شرعی به روحانیون افراطی می‌کنند؛ در مواقعی که اجتماعات مذهبی برگزار می‌شود، نقش فعالتری را ایفا و با شرکت در مراسم ترحیم و دیگر اجتماعات مذهبی، فعالیت‌هایی را از این طریق دنبال می‌کنند... به این ترتیب همبستگی عقیدتی و مادی بین آنها در سطح هر منطقه به وجود آمده است و این همبستگی به نقاط مختلف کشور نیز تعمیم داده شده است. این فعالیتها زمینه روی‌آوری تعدادی دیگر از گروه‌های مذکور به پیروی از طرفداران روحانیون افراطی و گروه‌های برانداز مذهبی را فراهم کرده است (اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۴۰۸ و ۴۰۷).

امام (ره) در پی این برخوردها و واکنشها به عنوان رهبر انقلاب در پیامی به دانشجویان فرمودند: «شما جوانان پاکدل موظف هستید با هر وسیله ممکن، ملت را هر چه بیشتر آگاه کنید و از نیرنگهای گوناگون دستگاه پرده بردارید و اسلام عدالت‌پرور را به دنیا معرفی کنید» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۱۴).

۲ - ۵ - افزایش آگاهی سیاسی - اقتصادی

جامعه ایران از نظر راهبرد تجاری در زمان نظام پهلوی، در موقعیتی حساس قرار گرفته بود ولی از نظر توسعه و روابط اقتصادی در میان اقشار مردمی سیر نزولی را در پیش داشت. پول نفت، انباشتگی ثروت، تجارت انحصاری، برنامه توسعه وابسته از یک سو و رشد فقر در میان انبوه روستائیان، حاشیه‌نشینی اقتصادی، کشاورزان فقیر مهاجر و... از سوی دیگر، جامعه را به سوی شکافهای عمیق پیش می‌برد. این موضوع، واکنش بارزی را در افزایش آگاهی و شعور سیاسی مردم ایجاد کرد: چرا که مردم به صورت ملموس شکافهای طبقاتی را احساس می‌کردند.

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت گنبد کاووس گزارش مسجد جامع را این گونه می‌نویسد: «ناطق آن‌گاه اظهار کرد: من ویلاهایی در چالوس و رامسر دیدم که سالیانه چند روز از آنها استفاده می‌شود... ولی چشم خود را بسته‌اند و نمی‌بینند که کپرنشینان بیچاره و بدبخت حتی زیلو هم ندارند و از سرما به خود می‌پیچیدند. یکی از سردی می‌میرد و دیگری از گرسنگی... توجه کنید متأسفانه ظلم و ستم را می‌بینیم ولی هیچ کاری انجام نمی‌دهیم... اکنون وضع دامپروری و کشاورزی ورشکسته است» (اسناد ساواک، ۱۳۷۷: ۲۶۳).

در گزارش دیگر ساواک درباره شهر شیراز آمده است که آیت‌الله دستغیب، مردم را نسبت به مسائل اقتصادی، که در کشور جاری است، آگاه می‌کند و در سخنرانیهایش می‌گوید: «اینها ۵۰ سال کشور ما را به بیگانه فروختند. کشور ما را به امپریالیسم امریکا فروختند. کشور ما استقلال ندارد. مردم کشوری می‌خواهند که حکومت آن اسلامی باشد نه آنکه مال مردم را غارت کنند؛ مال مردم را بدزدند» (اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۲۵۸)؛ چنانکه این موضوع را نیز در شعارهای مردمی نیز می‌توان مشاهده کرد: «لقمه‌ای که این سه زکام ما به در آورده است * * * آخر از حلقوم ناپاکش به در خواهیم کرد» (فرهنگ شعار انقلابی، ۱۳۷۹: ۱۴۲). در مجموع، توزیع ناعادلانه ثروت در کشور و سرسپردگی رژیم در به غارت رفتن سرمایه‌های ملی به نارضایتیهای داخلی دامن زد و موجی از خشم را در سالهای انقلاب به نمایش گذاشت.

۳- ۵- افزایش آگاهی سیاسی - مذهبی

برداشت‌های مردم از عناصر تشیع مانند عاشورا، عدالت امیرالمؤمنین (ع) و ظهور و قیام مهدویت، باعث شکل‌گیری هنجارها و ارزشهای اساسی در جامعه ایران شده بود؛ لذا تحولات ضد مذهبی رژیم شاه در سالهای قبل از انقلاب توانست احساسات مردم را به صورت گسترده برانگیزد. مردم برای حفظ مذهب خود با تمام توان فداکاری می‌کردند و حاضر به نثار جان و مال در تمام ابعاد انقلاب بودند؛ چنانکه سفیر امریکا در گزارش خود این آگاهی مذهبی را این گونه معرفی می‌کند: «نهضت شیعی مذهبی‌ها به رهبری خمینی از سازمان یافتگی بهتر برخوردار است؛ برخلاف آنچه دشمنان این نهضت بیان می‌کنند. اینان با داشتن زمینه‌های فکری خاص قادر به مقاومت در برابر کمونیسم هستند» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۶۸۵).

ساواک در گزارشهای خود به صورت عمده از نارضایتی مذهبی مردم، اسنادی را منتشر کرده است؛ به عنوان نمونه گزارشی از یک کارگر کاشانی به نام قاسم‌زاده نوشته است که او به مناسبت تظاهرات مردمی در قم، مطالب و نوشتارهایی را به صورت اعلامیه نوشته و سپس در میان مردم پخش کرده بود. این نوشتارها و مطالب در واقع از آگاهی سیاسی - مذهبی زیاد در میان توده مردم حکایت دارد؛ چنانکه ساواک اصل این نوشتار را که ثبت و ضبط کرده، متن نوشتارها به این صورت است: «درود فراوان بر سرداران اسلام و دانشجویان شهرستان قم... که بر دولت لجنزار ایران که دشمن شماره یک اسلام و آیت‌الله خمینی است پیروز شدید» (اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۱۵۱). در واقع مردم ایران شاه را دشمن مذهب می‌دانستند و به همین علت قیام را امر الهی

می‌پنداشتند و شرکت در این نهضت را واجب و تکلیف اسلامی - انسانی می‌شمردند. زوئیس در کتاب خود، آگاهی سیاسی - مذهبی مردم را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «تغییر تقویم تقریباً از نظر تمام ایرانیان نوعی مداخله بی‌ربط بود» (زوئیس، ۱۳۷۰: ۱۵۲)؛ به تعبیر دیگر، پیامهایی انقلابی از سوی مردم به اقدامات ضد دینی شاه، نشان از آگاهی فزاینده آنان داشت به طوری که امام(ره) در نامه‌ای به انجمن‌های اسلامی دانشجویان خطاب به شاه می‌نویسد: «تمام مصیبت‌های ما این است که در حکومت تو مذهب و اسلام نقشی ندارد. سرچشمه تمام مفاسد همین است؛ سلب استقلال کشور؛ به صورت مستعمره در آمدن آن، اختناق همه‌جانبه و گسترده در کشور؛ انباشته شدن زندانها از مردم آزاد، نبود وسایل اولیه زندگی، چپاول رفتن مخازن کشور، قبضه نمودن اسرائیل بازار را... همه و همه از آن است که مذهب در نزد شاه و دولت او نقش ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۱۲).

در واقع شکل‌گیری عظیمترین حرکتهای سیاسی در فرایند انقلاب در اعتراض به توهین به امام(ره) در روزنامه اطلاعات بود. ساواک در گزارشهای مکرر خود این حوادث را این‌گونه می‌نویسد: «در اطلاعات امشب به عنوان اعتراض حدود ۱۰۰ عدد روزنامه اطلاعات را پایمال کردند؛ ضمناً به عنوان اعتراضات نسبت به توهینی که در روزنامه اطلاعات به خمینی شده بود کلیه درب‌های این حوزه دانشگاه تعطیل بود» (نیکبخت، ۱۳۸۱: ۸۸۴). مردم انقلابی مسلمان با چنین واکنشهایی نسبت به دستگاه حکومتی و به دنبال اهدافی اسلامی در صحنه انقلاب حاضر می‌شدند و خشم خود را بیان می‌کردند. ساواک در اسناد خود اهداف مردم را از حرکتهای گسترده سیاسی این چنین تحلیل می‌کند:

الف) مخالفت با حکومت و نظام اجتماعی ایران ب) تأکید بر جدا بودن دین و مذهب از سیاست پ) تلقین و تأکید روی این ادعا که حکومت پایبند اعتقادات مذهبی نیست. ت) تحریک افکار عمومی با تمسک به مسائل مذهبی ث) توجه به فراگیر بودن مذهب و امکان استفاده از نیروهای مذهبی در جهت هدفهای آینده ج) تبلیغ و تأیید نظرات خمینی چ) تبلیغ برای خمینی به عنوان اعلم مجتهدین ح) جلب توجه گروه‌ها و سازمانهای خارجی برای حمایت از نظریات و هدفهای خود» (استاد ساواک، ۱۳۷۶: ۴۱۳).

۴ - ۵ - علل وقوع و شکل‌گیری انقلاب از دید رهبر انقلابی

بر اساس عقیده پژوهشگران انقلاب، نقش رهبری و تعامل تدریجی آن با نیروهای انقلابی در

مراحل فرایند انقلاب اعم از زمینه‌های شکل‌گیری، پیروزی و هم‌چنین استقرار دولت انقلابی نقش مؤثری دارد؛ به تعبیر دیگر در فرایند انقلاب ما، رهبران دارای وظایف متفاوتی هستند که هر کدام به فراخور توانایی خود، بخشی از نقش رهبری ایدئولوگ، بسیج‌گر و بنیانگذاری را در مراحل مختلف انقلاب انجام می‌دهند (حاجی‌حسن، ۱۳۶۹: ۲). بنابراین، امام خمینی (ره) با توجه به نقش رهبری جامع و فراگیر در مراحل انقلاب به نحو بارزی ظاهر شد و با ایفای نقش بی‌بدیل خود، توانست چهره دقیقی از شکل‌گیری انقلاب به مردم جهان ارائه کند. ایشان علل بروز قیام مردمی را در چند زمینه مطرح می‌کند که با توجه به اهمیت آن به مهمترین علل اشاره می‌شود.

۱ - ۴ - ۵ - حمایت شاه از بیگانگان

امام (ره) در مصاحبه‌ها و پیامها و اعلامیه‌های خود بارها نمونه‌هایی از سرسپردگی رژیم به استعمارگران را گوشزد می‌کرد. او در مصاحبه با مجله «الاقتصاد العربی» یکی از علل انقلاب را این‌گونه مطرح می‌کند: «یکی از علل قیام مردم مسلمان ایران علیه شاه، حمایت بی‌دریغ او از اسرائیل غاصب است. شاه، نفت اسرائیل را تأمین می‌کند. ایران را بازار مصرف کالاهای اسرائیل کرده است و حمایت‌های مصنوعی دیگر؛ ولی برای فریب افکار جهانی صرفاً به محکوم کردن اسرائیل می‌پردازد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۱۳۹). امام (ره) در جای دیگر نوکری شاه را به استعمارگران افشا می‌کند و می‌گوید: «نوکری از این احمقتر و بهتر برای آنها نیست که همه چیز ملت خودش را به رایگان به آنها بدهد. گازش را شوروی ببرد و نفتش را امریکا و انگلستان ببرد و هر کس یک گوشه‌ای را گرفته و دارد می‌برد... مراتعش را ملکه و انگلستان... قوه مجریه‌اش هم عبارت از محمدرضا خان پهلوی ما که می‌گوییم نمی‌خواهیم این را» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۴۰).

۲ - ۴ - ۵ - فشار و اختناق رژیم پهلوی

امام در جواب لوسین ژرژ خبرنگار روزنامه فرانسوی که پرسید: «به نظر شما علت شعله‌ور شدن قیامهای ایران چیست؟ چرا این طغیانها در حال رخ دادن است؟ فرمودند: فشار و قهری که شاه و پدرش اعمال کرده‌اند، بدبختیهایی که ملت دچارش شده است، مردمی که از آزادیشان، استقلالشان، پیشرفتشان، از زندگی خوبشان محروم شده‌اند، وعده‌های دروغی که در ۱۵ سال اخیر مغزشان را پر کرده است، روی هم رفته منشأ تظاهرات مذکور است. خرابی وضع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و وسعت دامنه قهر و فشار به درجه تحمل ناپذیری رسیده است.» (امام خمینی،

۱۳۷۹، ج ۳: ۳۷۱).

۳ - ۴ - ۵ - ضد مذهب و دین ستیزی شاه

امام(ره) در حقیقت نشان داد، علت شکل‌گیری نهضت اسلامی ایران، احساس تکلیف، باورهای عمیق مردمی درباره دین‌ستیزی و ارزش‌ستیزی از یک سو و به حاشیه راندن دین و حاکم کردن ارزشهای غربی از سوی دیگر بود که توسط نظام حاکم به وجود آمده بود. «شما برای خدا نهضت کردید. دلیلش اینکه جان را گذاشتید کف دست و راه افتادید در خیابانها و فریاد کردید اسلام» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۲۰۴). امام در سخنرانیهای خود، رفتار رژیم شاه را با روحانیت و اسلام به صورت شفاف بیان، و این چنین واکنشها را نشان از دین‌ستیزی دستگاه حکومتی معرفی می‌کرد: «به مدرسه فیضیه که ایشان کماندوها را فرستادند و ریختند و در مدرسه فیضیه و قرآنها را آتش زدند، عمامه‌ها را آتش زدند، جوانها را از دست و پا شکستند، حجره‌ها را خراب کردند... عقیده ایشان این بوده است که مدرسه فیضیه یک جایی است که از محل‌های اجانب است!» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۴۰). بنابراین توهین به قرآن و روحانیت که از مظاهر اسلام است، نفرت مردم را برانگیخته و سبب شد که چهره شاه در جامعه شیعیان به عنوان یزید زمان معرفی شود و این خود قویترین انگیزه قیام در میان جامعه سنتی ایران بود.

۴ - ۴ - ۵ - مبارزه برای استقلال و آزادی

یکی از حقوق اولیه بشر در جامعه مدرن امروز داشتن آزادی، استقلال، فضای باز سیاسی و... است. امام(ره) با توجه به این حقوق اساسی توانست علل قیام ملت ایران را بین افکار مردم آزادیخواه به تصویر بکشد: «این ملت حالا ایستاده است و می‌گوید که ما می‌خواهیم آزاد باشیم. این یکی از حقوقی است که هر کسی سرنوشت خودش باید در دست خودش باشد» (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۲۴۷). منطق شاه درباره استقلال و آزادیخواهی مردم ایران به صورتی شکل گرفته بود که هر فریاد آزادی‌طلب مردم را فریاد اراذل یا افراد وحشی و پست معرفی می‌کرد؛ لذا امام(ره) به طور صریح فرمودند:

«این مردمی که آزادی و استقلال می‌خواهند، اینها وحشی نیستند. اینها متحدند که آزادی و استقلال می‌خواهند. وحشها آنهايي هستند که استقلال و آزادی را از اینها گرفته‌اند... یک ملت ۳۵ میلیونی ایستاده است و می‌گوید، جانش را دارد می‌دهد؛ جوانش را دارد می‌دهد و می‌خواهد مملکتش را نجات بدهد از دست شما، آنها اراذل و پستند و شما آقا و باشرف؟!... ملتی که می‌بینید

این طور تو داری با آنها صحبت می کنی، نمی گذارند دیگر شما حیات پیدا کنید؛ نمی گذارند که امریکا در ایران باقی بماند» (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۲۴۴ و ۲۴۳).

بنابراین در دید رهبر انقلابی ایران، امام خمینی (ره) ضرورت و علل قیام مردم از تبیین های جوامع امروزی فراتر است و لازمه این تفکر بر اساس جهان بینی توحیدی ایشان است. در یک نگاه کلی ایشان قیام اسلامی ایران را این گونه توصیف می کنند:

«حرف مردم ایران این است که ما یک همچون رژیم که از اولش به ما آن قدر ظلم کرده و همه چیز ما را به یغما داده و نفت ما را به جهان می دهد... پایگاه برای امریکا درست می کند؛ یعنی عوض اینکه به ما چیزی بدهد، اسلحه می دهند که پایگاه درست کنند در ایران، این مردم ایران صدایشان از بچه تا بزرگ بلند است که آقا، مرگ بر این حکومتی که پدر ما را درآورد. اینها فریاد می زنند که ما آزادی می خواهیم. ۵۰ سال هیچ چیز ما آزاد نبود: نه مطبوعاتمان آزاد بود، نه خطبای ما آزاد بودند، نه علمای ما آزاد بودند، نه دانشگاه ما... اینها دادشان برای این است که آزادی به دست بیاورند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۰۴).

۵ - ۴ - ۵ - عملکرد رژیم در تشدید عمل قیام

کشتار بیرحمانه و مجروح کردن مردم بی گناه بین سالهای انقلاب باعث شعله ور شدن نهضت شد. در این زمینه سفیر امریکا در گزارش خود می نویسد: «سختگیری در مورد تظاهرات خیابانی و خرابکاری به وسیله دولت و اجرای آن به وسیله سرویسهای امنیتی، یادبودهای ۴۰ روزه در پایان عزاداری برای تظاهرکنندگان که در برخورد با نیروهای امنیتی کشته شدند، موقعیتهای عالی برای تظاهرات در یک زمینه مطلوبتر از دیگر اوقات به وجود می آورد» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۳۷).

شاه برای ارعاب و سرکوبی انقلاب مردمی به ارتش کفایت نکرد؛ بلکه برای تحکیم سرکوبی به سازمانهایی مانند ساواک نیز متوسل شده بود. دامنه این سازمان حتی در خارج کشور نیز کشیده شده بود و فعالیتهای گسترده ای انجام می دادند. روزنامه تارکس آنتایگر اقدامات این سازمان را مطابق گزارش کمیسیون حقوقدانان بین المللی این گونه می نویسد: «از سال ۱۹۷۱ تاکنون در ایران ۷۵ نفر از افراد به اصطلاح ضد رژیم تیر باران و ۵۵ نفر به حبس ابد محکوم شده اند. ۳۳ نفر از زندانیان به ده تا پانزده سال حبس محکوم شده اند. در برخوردهایی با پلیس سیاسی، ۵۰ نفر کشته شده، و نه نفر از زندانیان سیاسی هم ظاهراً در حال فرار از زندان هدف تیر قرار گرفته، و ۱۶ زندانی

سیاسی نیز زیر شکنجه جان خود را از دست داده‌اند» (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

به گفته بعضی از محققان شکل‌گیری اعتصابات و تظاهرات، اعلامیه‌ها... در فرایند انقلاب باعث متزلزل شدن تصمیمات شاه در کشتار مردم می‌شود (زونیس، ۱۳۷۰: ۴۵۲). حال این سؤال پیش می‌آید پس چرا واقعه ۱۷ شهریور در میدان ژاله اتفاق افتاد و یا در کشتارهای پیوسته در قم، تبریز، مشهد و تهران هزاران نفر مجروح و کشته شدند. جیمز بیل یکی از پژوهشگران تیزبین و تحلیلگر انقلاب می‌نویسد:

«هر چند تعدادی از پژوهشگران با نفوذ بارها استدلال کرده‌اند که شاه اراده خود را برای اعمال کنترل بر اوضاع از دست داده بود و علت آن نیز تا اندازه‌ای بیماری او و تا اندازه‌ای نگرانی از بابت فشاری بود که پرزیدنت کارتر وارد می‌کرد، این دیدگاه با واقعیت تاریخی تطبیق نمی‌کند. شاه، که در محاصره مشاوران نظامی تندرو و مورد اعتمادی از قبیل تیمسار منوچهر خسروداد، حسن طوفانیان، غلامعلی اویسی، امیرحسین ربیعی و تیمسار نصیری رئیس ساواک قرار داشت در آغاز کار دستور داد که مانند سال ۱۹۶۳ با اعمال قوه قهریه لازم، ناآرامیها را فرونشاند، کشتار تبریز در ماه فوریه، تهران در سپتامبر، اصفهان در دسامبر و مشهد در اوایل ژانویه ۱۹۷۹، شواهدی در تأیید اتخاذ سیاست خشن است. در این ماه‌های خونین نیروهای نظامی به کسانی که برای گشته‌شدگان عزاداری می‌کردند تیراندازی کردند؛ به منازل رهبران مذهبی هجوم بردند و در مواردی اجتماعات غیر مسلح مردان، زنان و کودکان را مستقیماً به گلوله بستند» (زونیس، ۱۳۷۰: ۵۷۴).

بنابراین اقدامات ستیزآمیز نظامیان شاه تأثیرات متضادی بر جا گذاشت: اولاً موجب تقویت جنبش شد. دوم سرکوب و خشونت در مقابل اعتراض و انتقاد مصالحت‌آمیز مردمی در نظام نشانه ظلم و بیداد شاه تلقی شد. سوم شهید شدن مردم انقلابی و مجروح شدن افراد بیگناه باعث برانگیخته شدن احساسات ملت انساندوست شد و این خود انقلاب را در جریان پیروزی قرار داد. چهارم بی‌عدالتی شاه و تخاصم او با قیام مردم باعث ایجاد و افزایش همبستگی و انسجام در میان تمام اقشار جامعه شد، پنجم عملکرد وحشیانه شاه باعث اسطوره‌سازی از شخصیت امام خمینی (ره)، به عنوان منجی ملت ایران در مقابل یزید زمان گردید و این خود تداعی واقعه کربلا در قیام ایران را به پرده نمایش کشاند و در نتیجه تقویت روحیه شهادت‌طلبی را در میان مردم انقلابی افزایش داد.

نتیجه گیری

در این پژوهش با توجه به قیام و انقلاب اسلامی ایران، به علل وقوع انقلاب پرداخته شده است. در جریان انقلاب اسلامی محققانی از جمله اسکاچپول، فوران، فوکو و اسملسر به تحلیل انقلاب و تبیین وقوع آن پرداخته‌اند. آنان علاوه بر عوامل ساختاری بر عوامل فرهنگی مانند فرهنگ تشیع نیز تأکید کردند. در این میان امام خمینی (ره) به عنوان رهبر و سکاندار انقلاب توانست ماهیت انقلاب اسلامی را به صورت انقلاب و قیام الهی مطرح سازد و سپس بر این اساس، علل آن را تبیین و تحلیل کند. ایشان توده مردم را یکی از ارکان مهم انقلاب معرفی می‌کند که بر اساس افزایش آگاهی در تمام ابعاد نسبت به جامعه خود حرکت‌هایی را آغاز نمودند و از سوی دیگر عملکرد شاه باعث خشم توده ملت شد و آنان جریان انقلاب را به صحنه جامعه کشاندند.

در ادامه مقاله برای جواب به سؤال «علل انقلاب اسلامی چیست»، ابتدا به تبیین علل از دید مردم انقلابی پرداخته شد؛ لذا آگاهی سیاسی - اجتماعی، سیاسی - اقتصادی، و سیاسی - مذهبی توده‌های مردم باعث حساس شدن مردم به اوضاع شد و زمینه شکل‌گیری انقلاب را به وجود آورد. سپس به علل انقلاب از دید رهبر انقلابی یعنی امام خمینی (ره) پرداخته و علل انقلاب در دیدگاه ایشان به چند زمینه دسته‌بندی شد که عبارت است از ۱ - حمایت شاه از بیگانگان ۲ - فشار و اختناق رژیم پهلوی ۳ - دین‌ستیزی شاه ۴ - مبارزه برای آزادی و استقلال مردمی

بدین سان، حرکت‌های انقلابی به صورت آشکارا در ایران شکل گرفت؛ اما با واکنش‌های شدید رژیم در سرکوب آن، باعث شعله‌ور شدن قیام شد و چهره نهضت را در دنیا به صورت شفاف به نمایش گذاشت و نگرانی را در چشم بیگانگان و دستگاه حکومتی ظاهر ساخت؛ لذا شاه با کشتار وسیع و با استفاده از حبس و زندانی و هم‌چنین استفاده از نیروهای امنیتی - سیاسی و ساواک نتوانست جلوی این حرکت را بگیرد بلکه حرکت آن را نیز تشدید کرد و سرانجام، مردم با فداکاری و روحیه شهادت‌طلبی با رهبری امام خمینی (ره) در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بر سکوی پیروزی نشستند.

منابع

- اسناد لانه جاسوسی (۱۳۸۶). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه امام. تهران: نشر آثار امام خمینی (ره).

امام خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰). تبیان به آزادی در اندیشه امام‌خمینی (ره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۲)، (۱۳۷۶)، (۱۳۹۰)، (۱۳۷۷)، (۱۳۷۹)؛ تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

بی‌نا (۱۳۷۹). فرهنگ شعارهای انقلابی. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

پناهی، محمدحسین (۱۳۹۲). نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند، پیامدها. چ ششم. تهران: انتشارات سمت.

حاجی‌حسن، ملیحه (۱۳۹۶). مطالعه نقش و ابعاد رهبری امام‌خمینی (ره) در فرایند انقلاب اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شاهد. دانشکده علوم انسانی.

حسینی، حسین (۱۳۸۸). رهبری و انقلاب. چ دوم. تهران: نشر عروج.

خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۳). بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب. مجله جامعه‌شناسی ایران. ش ۳: ۱۲۳ - ۸۶.

زونیس، ماروین (۱۳۷۰). شکست شاهانه. ترجمه عباس منجر. چ دوم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کشاوری، عباس (۱۳۸۱). کاربرد نظریه برینگتون در انقلاب اسلامی. پژوهشنامه متین. ش ۱۶ - ۱۵: ۱۹۵ - ۱۶۶.

کشاوری، عباس (۱۳۸۲). تبیین انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه اسکاچپول. پژوهشنامه متین. ش ۱۹: ۱۱۸ - ۹۷.

کشاوری، عباس؛ غفاری هاشجین، زاهد؛ جلیلی، محسن (۱۳۸۸). بررسی تبیین‌های انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه علوم اجتماعی. ش ۴۳ - ۴۲: ۸۷ - ۳۹.

نیکبخت، مریم (۱۳۸۱). جنبش دانشجویی تبریز به روایت اسناد و خاطرات. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

Arjomand, saida.1986. "iran's islamic r v. In comparative" world politics, 38:3.